اتفاق

استقبال از جدیدترین رمان «جیمز پترسون»

ایسنا:نام رمان جدید «جیمز پترسون»، نویسنده مشهور و پرکار آمریکایی در فهرست رمان‌های پرفروش نشریه نیویورک‌تایمز جای گرفت. رمان «بیستمین قربانی» به قلم «جیمز پترسون» و «ماکسین پانتزو» به عنوان جدیدترین جلد از سری داستان‌های «باشگاه قتل زنان» منتشر شد و در نخستین هفته از حضور در فهرست آثار پرفروش نشریه نیویورک‌تایمز در جایگاه چهارم قرار گرفت.«بیستمین قربانی» به داستان تحقیقات «لیندزی باکسر» درباره قتل چند فرد بدنام در شهرهای مختلف پرداخته است. سال گذشته رمان «نوزدهمین کریسمس» به عنوان نوزدهمین جلد از سری داستان‌های «کلوب قتل زنان» و کارآگاه «لیندزی باکسر» این دو نویسنده به این فهرست راه یافته بود. «پترسون» به طور میانگین سالی ۱۴ کتاب منتشر می‌کند و نام او به عنوان اولین نویسنده‌ای که یک میلیون جلد از آثارش در قالب دیجیتال به فروش رسیده، ثبت شده است.رمان «کامینو» از «جان گریشام» نیز که هفته گذشته صدرنشین این فهرست شده بود، این‌هفته همچنان در رتبه نخست قرار دارد. در جدیدترین اثر «گریشام»، زمانی که جسد یک نویسنده آثار جنایی پس از وقوع یک طوفان در جزیره «کامینو» کشف می‌شود، مرز بین واقعیت و تخیل زمان کم‌رنگ‌تر می‌شود. جایگاه‌های دوم، سوم و پنجم فهرست پرفروش‌های داستانی جلد سخت این هفته به‌ترتیب به «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» به قلم «دلیا اونتز»، «اگر خون جاری شود» نوشته «استفن کینگ» و «همه بزرگسالان این‌جا هستند» اثر «اما استراب» اختصاص یافته است.

نوا

همایون شجریان کنسرت آنلاین برگزار می‌کند

مهر: همایون شجریان خواننده موسیقی ایرانی یکشنبه چهارم خرداد ماه همزمان با فرا رسیدن عید سعید فطر کنسرت آنلاینی را به رهبری بردیا کیارس برگزار می‌کند. ارکستر مجلسی تهران به رهبری بردیا کیارس ساعت ۲۱ روز یکشنبه چهارم خرداد ماه کنسرت آنلاینی را در تالار وحدت تهران برگزار خواهد کرد. در این کنسرت که با همراهی ۳۵ نوازنده پیش روی مخاطبان قرار می گیرد همایون شجریان به عنوان خواننده حضور دارد. در این کنسرت آنلاین که به گفته برگزارکنندگانش یکی از بزرگترین کنسرت‌های آنلاین کشور خواهد بود، قطعاتی منتخب از آلبوم‌های «سیم وصل» و «ها ستاره‌ها» به آهنگسازی و تنظیم محمد جواد ضرابیان آنلاین اجرا می‌شود. تاکنون کیوان ساکت، وحید تاج، گروه «رستاک»، سامان احتشامی، علی زندوکیلی و پرواز همای کنسرت های آنلاینی را در تالار وحدت تهران برگزار کرده بودند. این کنسرت ها با مجوز دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجموعه «ساترا» از طریق وی‌آودی‌های دارای مجوز برای مخاطبان اجرا شده بود.

«دومین تجربه تهیه‌کنندگی حامد بهداد در موسیقی»

مهر- امیرحسین شورجه از خوانندگان و آهنگسازان جوان کشورمان در تازه‌ترین فعالیت موسیقایی خود آلبوم جدیدی با نام «بادیات» را به تهیه‌کنندگی حامد بهداد منتشر کرد.

آلبوم موسیقی «بادیات» به خوانندگی و آهنگسازی امیرحسین شورجه و تهیه‌کنندگی حامد بهداد در دسترس مخاطبان قرار گرفت.

حامد بهداد بازیگر شناخته‌شده سینمای ایران که تجربه خوانندگی را نیز در کارنامه حرفه‌ای خود دارد، پیش از این نیز در آلبوم «سمبل» به خوانندگی احمدرضا عبیدی به‌عنوان تهیه‌کننده حضور داشت. میرحسین شورجه که سال ۹۳ آلبوم «مشهد قوال» را با همکاری مسعود فیاض‌زاده منتشر کرده بود، در آلبوم «بادیات» نیز با این هنرمند در قالب نوازنده و تنظیم‌کننده همکاری داشته است.وی در توضیح این آلبوم آورده است: «بادیات روایت بادهای سرگردانی است که چیزی جز رفتن نمی‌دانند و همچون چادرنشینان صحراگرد، در هر بادیه به دست وجوی رویاهای بی‌سرانجام نیاکانشان، زمین را می‌گردند. از گذشته تا به امروز». «پیش درآمد»، «باد صبا»، «بهادرخان»، «لیلای رفتنی من»، «برف النذشت»، «میان پرده»، «مردی از شهر ما»، «بی تو»، «موی تو کوتاه»، «دلتنگم»، «مرا به خانه‌ام ببر» قطعاتی هستند که در این آلبوم پیش روی مخاطبان قرار گرفته است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد فارس خبرداد

فروش ۷۰۰ میلیون تومانی طرح «بهارانه کتاب» فارس

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس با اشاره به طرح بهارانه کتاب ۱۳۹۹ اعلام داشت: تا کنون استان فارس از نظر میزان فروش در رتبه چهارم کشور با مبلغ ۷۰۱ میلیون تومان فروش قرار دارد و از نظر تعداد فروش نیز در رتبه چهارم با ۲۰۴۹۳ جلد کتاب است. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، صابر سهرابی گفت: به منظور رونق بخشیدن به بازار کتاب و ترویج کتابخوانی، تسهیلاتی را در قالب بارانه خرید کتاب از طریق کتابفروشی های سراسر کشور، مستقیما به خریداران کتاب پرداخت می شود.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس افزود: در این طرح کتابفروشی هایی که شرایط لازم را دارا باشند، پس از ثبت نام، می توانند کتاب های خود را که با شرایط تعیین شده مطابقت داشته باشند به خریداران بفروشند که موسسه خانه کتاب به نمایندگی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی؛ مبلغ بارانه خرید کتاب را به کتابفروش ها پرداخت خواهد کرد.

سهرابی در پایان با بیان اینکه طرح بهارانه کتاب۹۹ در کتابفروشی های سراسر کشور اجرا می شود و آن گونه که آمارهای موسسه خانه کتاب نشان می دهد ۴۵ کتابفروشی از استان فارس در این طرح ثبت نام کرده اند که از این تعداد ۳۷ کتابفروشی در شیراز و ۸ کتابفروشی دیگر در چند شهرستان از جمله جهرم و نی ریز قرار دارند، اعلام داشت: در طرح بهارانه کتاب ۱۳۹۹ تا کنون استان فارس از نظر میزان فروش در رتبه چهارم کشور با مبلغ ۷۰۱ میلیون تومان فروش قرار دارد و از نظر تعداد نیز در رتبه چهارم با فروش ۲۰۴۹۳ جلد کتاب به میدان آمده است.

منوچهر انور:

نجف دریابندری با خودش یکی بود

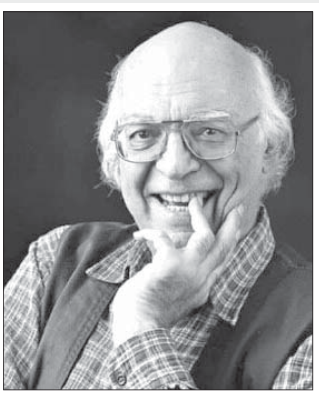

ایسنا:اطمینان خاطر نجف دریابندری، به گمان من، برآمده از صداقت همه‌سویهٔ او بود. می‌دانست که با خودش یکی‌ست، که در نتیجه به دیگران هم دروغ نمی‌گفت. به توانایی برآمده از پشتکارش اطمینان داشت. لابد می‌دانید این طلایه‌دار فارسی امروز، حتی دبیرستان را هم تمام نکرده بود. فارسی پربار و انگلیسی جانداری را خودش به خودش آموخته بود - با آن هوشمندی و پشتکاری که داشت! «ویراستاری یا به قول منوچهر انور و همنسلان او ادیتوری، شاید نخستین دروازه ورود نجف دریابندری به صحنه کار حرفه‌ای باشد که از موسسه انتشارات فرانکلین آغاز شد و به مدت ۱۷ سال، تا میانه‌های دهه پنجاه ادامه داشت. منوچهر انور، از چهره‌های شاخص فرانکلین با نجف دریابندری در همین انتشارات آشنا شد. مؤسسه‌ای که تا هنوز هم سیهم بزرگی در ترجمه و انتشار آثار مهم ادبی و فلسفی به زبان فارسی دارد و جز این، از پایه‌گذاران پدیده «ویرایش» در ایران است؛ تا حدی که به گفته انور، تا زمان برپایی فرانکلین، واژه «ویراستار» هنوز سکه نخورده بود و از این رو ویرایش که به لفظ وارداتی ادیتوری خوانده می‌شد. با این اوصاف نجف دریابندری ازجملهٔ نسل نخست ویراستاران ایران نیز هست که به طور حرفه‌ای و جدی این حرفه را دنبال کرد و نیز از نسل مترجمانی است که هر یک در ترجمه خود سبکی داشتند و به ضرورت زمانه نجف به ترجمه اثری می‌زند. مواد و مصالحی که نجف برای ساختن زبان و صدای راوی و شخصیت‌ها خاصه در ترجمه‌هایش از آثار ادبی پیدا می‌کرد، هر یک به فراخور اثر و نوع روایت نویسنده بود نه برگردانی صرف از داستانی به زبان فارسی. برای نمونه او در یکی از شاخص‌ترین ترجمه‌هایش از «بازماندهٔ روز» ایشی گورو، صدای راوی را از «سفرنامه‌ها و خاطرات و مکاتبات دوره قاجار» می‌شنود و به نقل از خودش در مقدمه کتاب، همین که صدا پیدا شد دید که زبان عادی امروز هم سرشار است از اصطلاحات و کلیشه‌های مستعمل و مکرر که ازقضا در ترجمه او از «بازماندهٔ روز» به کار می‌آمد. همین خرت‌وپرت‌های زبان و خرده‌ریزهای فرسوده که به‌گمان بسیاری باید دور ریخته شوند، یکی از بهترین ترجمه‌های دریابندری را ساختند؛ چراکه «مترجم» برای این مصالح کهنه «مصرف‌های تازه‌ای» پیدا کرده و به صورت «مصالح نو» در ساختمان داستان به کار گرفته بود. از این رو است که استفاده از حد اعلای امکانات زبان فارسی را از جمله مهم‌ترین خصایص کارهای نجف دریابندری خوانده‌اند. منوچهر انور، نویسنده، ویراستار، مترجم ایرانی، سرویراستار انتشارات فرانکلین بوده است و از پایه‌گذاران حرفه ویراستاری در ایران و از دوستان قدیم نجف دریابندری. با او گفت‌وگوی مکتوبی درباره نجف دریابندری انجام داده که در ادامه می‌خوانید.آقای انور گویا شما نجف دریابندری را از طریق همایون صنعتی‌زاده شناخته‌اید و اولین مواجهه شما با ایشان در انتشارات فرانکلین بوده که ایشان به‌عنوان ویراستار با شما همکاری کرده است. از این دوران بگویید.پیش از آمدن زنده‌یاد نجف دریابندری به موسسه انتشارات فرانکلین، نه زنده‌یاد همایون صنعتی شناختی از او داشت، نه من. دکتر عبدالرحیم احمدی بود که مرا با نجف آشنا کرد و من دستش را توی دست صنعتی گذاشتم. دکتر احمدی در فرانکلین مسئول رتق و فتق امور مربوط به تأسیس دانشگاه آزاد (یکی از پروژه‌های اساسی همایون صنعتی) بود، که یک روز آمد به اتاق من که «شنیده‌ام بار داری دنبال ادیتور می‌گردی.» درست می‌گفت. همایون صنعتی کار حساس «ادیتوریابی» را به عهدهٔ من گذاشته بود چند ماه پیش از آن، دکتر فتح‌الله مجتبایی را، به همین عنوان، دعوت به همکاری کرده بودم. بله، نجف دریابندری، به‌عنوان سومین «ادیتور»، وارد موسسه انتشارات فرانکلین شد - واژه «ویراستار» هنوز سکه نخورده بود. مثلثی که با پیوستن این دو صاحب‌قلم به فرانکلین شکل گرفت، ثمرات فرهنگی ارزنده‌ای به بار آورد. این را بگویم که نیمی از وقت ما، در یک اتاق، به «تعاطی افکار» می‌گذشت. صنعتی از این بابت نه‌تنها دلخور نبود، بلکه از آن استقبال می‌کرد؛ می‌آمد به گفت‌وگوها دل می‌داد و در مقام یک مدیر مدبر خلاق، نکته‌های به‌دردبخوری از توی آنها بیرون می‌کشید و به کار می‌بست - یادش به خیر.

و یک بار در سخنرانی‌تان در شب‌های بخارا درباره نجف دریابندری و برخورد اول‌تان با او گفتید: «او حال غریبی داشت، انگار سرگردان بود اما به خودش سخت اطمینان داشت». منظورتان از این که به خودش اطمینان داشت چیست؟

یادم نمی‌آید که صحبت از «حال غریب» و «سرگردانی» کرده باشم اما به یقین می‌دانم که گفتم «حضوری غایب داشت»؛ معجونی سخت دلنشین، که نظیر آن را نزد هیچ‌کس ندیده‌ام. معجونی که نشان از صداقت و کرامت ذاتی داشت - صداقت و کرامتی خالص، که تا روز آخر، یک بار هم خدشه در آنها ندیدم.اطمینان خاطر او، به گمان من، برآمده از صداقت همه‌سویهٔ او بود. می‌دانست که با خودش یکی‌ست، که در نتیجه به دیگران هم دروغ نمی‌گفت. به توانایی برآمده از پشتکارش اطمینان داشت.

لابد می‌دانید این طلایه‌دار فارسی امروز، حتی دبیرستان را هم تمام نکرده بود. فارسی پربار و انگلیسی جانداری را خودش به خودش آموخته بود - با آن هوشمندی و پشتکاری که داشت! بر اینها بیفزایید طنز سیّال و حقگویی بی‌آمایش را. نظری بیندازید، ازجمله، به نقدهای دقیق و کریمانه‌اش بر «یک آتش» گلستان، «تلقو»ی اسکویی و طنز بَرّای دل‌انگیزش در «چنین کنند بزرگان» و حتی «کتاب مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز».

نجف دریابندری به نثر و زبان خاصش شهرت دارد. شما برای این زبان دو تعبیر جالب به کار می‌برید: «صمیمیت قلمی» دریابندری و «فارسی شیرین» او. اگر ممکن است درباره این دو تعبیر بیشتر توضیح بدهید. این شیرینی زبان آیا با طنز خاص نجف مرتبط است؟ و صمیمیت زبان او با کاربرد کلمات و اصطلاحات مرسوم میان عامه و افواهِ مردمان جنوب ارتباط دارد؟

از «فارسی شیرین» او در خیلی جاها صحبت کردم اما از «تعبیر» به قول شما، «صمیمیت قلمی» در یادم نیست و یا سلیقهٔ من سازگاری ندارد. اما شیرینی نثرش از آنجاست که در طنز شناور است. «صمیمیت زبان او»، علاوه بر این که گاه - مثلا در «پیرمرد و دریا» از شیرینی «کلمات و اصطلاحات مرسوم میان عامه و افواهِ مردمان جنوب» دارد، مرهونِ همان «صداقت ذاتی» اوست که شعاعش تمامی صفحاتی را که از قلمش جاری شده، روشن می‌کند.

دریابندری شخصیتی چندوجهی بود که در کارنامه خود از ترجمه آثار ادبی، فلسفه و هنر تا کار ویراستاری و نوشتن مقالات و نقدها و حتی تالیف کتاب مستطاب آشپزی دارد. او را ویراستاری دقیق و باذوق می‌دانند، مترجمی با زبان خاص خود که آثار مهمی از ادبیات جهان را ترجمه کرد و نیز مقاله‌نویسی که دقت کم‌نظیری در دیدن واقعیات و پرداخت به جزئیات داشت. به نظر شما دریابندری در کدام عرصه موفق‌تر بود یا شهرتِ او به کدام‌یک از کارهایش است؟

در چندوجهی بودن او تردیدی نیست. علاوه بر قلم زدن در زمینه‌های گوناگون، دستی در نقاشی و هنرهای تزیینی داشت و ذوقی در عمل به آشپزی. پیش از آن که دربارهٔ آشپزی دست به قلم ببرد، من بارها و بارها سر سفره‌های رنگینش نشسته‌ام و حیرت کرده‌ام از ذوق چشایی‌اش. خلاقیت و «دقت و ذوقش» در کار «ویراستاری»، و «زبان» یا زبان‌های «خاصش» در «ترجمهٔ آثار مهمی از ادبیات جهان»، و نیز «دقت کم‌نظیرش در دیدن واقعیات و پرداخت به جزئیات»، همه دیگر ثبت تاریخ است. احتیاجی نیست که در اینجا من بخواهم دربارهٔ آنها داد سخن بدهم. «توفیق» و «شهرت» او محصول وجاهت منظومهٔ آثار رنگارنگ اوست. من در خودم نمی‌بینم که بخواهم به تک‌تک آنها نمره بدهم اما می‌توانم در اینجا به یک نکتهٔ باریک اشاره کنم. نجف دریابندری، برخلاف بسیاری از همکاران سرشناسش، از بن دندان دریافته بود که در کار ترجمه، برای گشودن قفل هر متنی، باید کلید مخصوص آن قفل را در زبان مقصد پیدا کرد و، بیش از اغلب همکاران، در زبان فارسی کلید پیدا کرده بود. مقایسه کنید زبان «پیرمرد و دریا» را با زبان «بازماندهٔ روز»، زبان «رگتایم» را با زبان «نویسندگان روس» و زبان هریک از آثار دیگر او را با دیگری.

در عرصه ترجمه آثار ادبیات جهان، نجف دریابندری را از نسلی می‌دانند که مترجم/مؤلف بودند. به این معنا که ترجمه برای آنها برحسب ضرورت زمانه یا به هدف معرفی نویسنده‌ای در ایران، انجام می‌گرفت و تنها برگرداندنِ یک کتاب از زبانی به زبان دیگر نبود. شما انتخاب‌های دریابندری را چطور می‌دانید؟

در این که «ضرورت زمانه» را همواره در مد نظر داشت تردیدی نیست و من هم گواهی می‌دهم به حقانیت تک‌تک گزینه‌هایش.

شاید در میان ترجمه‌های او آثار همینگوی و فاکنر، ترجمه‌اش از لورکا و کتاب «بازمانده روز» ایشی‌گورو، بیش از همه خوانده شده و شهرت دارد. به نظر شما کدام ترجمه دریابندری بیش از همه خصوصیات زبانی و تسلط او بر فارسی را نشان می‌دهد؟ شما کدام ترجمه او را بیشتر می‌پسندید؟

گمان کنم جواب این سؤال شما را تقریباً داده باشم اما محض خاطر شما، در اینجا یک خطی هم زیر «بازماندهٔ روز» می‌کشم.

در زمینه ادبیات نمایشی نیز دریابندری ترجمه مطرحی از «خانه برنارد آلبا» لورکا را در کارنامه خود دارد. گویا ایشان به تئاتر و ادبیات نمایشی هم علاقه‌مند بودند و حتما به خاطر حضور همسرشان خانم راستکار در تئاتر نیز به دیدن تئاترهای مختلفی نشسته‌اند یا لابد کارگردانانی بودند که برای اُجرای لورکا از روی ترجمه‌شان به دیدارشان رفته‌اند. شما درباره تئاتر و لورکا با او صحبت می‌کردید؟

دربارهٔ تئاتر صحبت‌های زیادی با او کرده‌ام و برای این که توضیح دقیق‌تری داده باشم، باید بگویم که، در مورد دیالوگ‌نویسی، اختلاف نظرهایی با او داشتم و ترجمه‌اش از بازی‌های سامونل بکت را، به اصرار زنده‌یاد محمد زهرایی، به تفصیل ویراسته‌ام. دربارهٔ لورکا هم هیچ‌وقت پیش نیامد که با او صحبتی بکنم - یادش بخیر.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد فارس خبرداد

قصه‌گویی یک سرمایه فرهنگی است

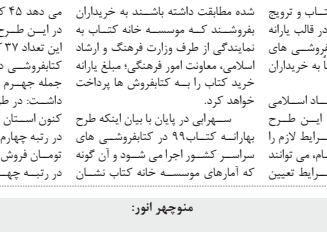

مهر: مدیرکل پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس، گفت: قصه‌گویی یک سرمایه فرهنگی است.

زهرا افتخاری صبح دوشنبه در اولین کارگاه مجازی قصه‌گویی با موضوع مبانی قصه‌گویی که در اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس در شیراز برگزار شد، ضمن تقدیر از مربیان که با تولید محتوا در پیک امید مجازی فعال بودند، گفت: کارگاه‌های مجازی با هدف یادگیری بیشتر، تمرین قصه‌گویی مربیان و اعضا در شرایط بحرانی کرونا و توانمندسازی مربیان برگزار می‌شود.

وی، گفت: می‌توان از قصه‌گویی به عنوان یک سرمایه فرهنگی در ترویج آداب و رسوم و سنت‌ها بهره برد و استفاده از آثار فاخر و متون کهن فارسی و به ویژه کتاب قرآن از ابزارهای مهمی است که بر غنای آن می‌افزاید و قصه‌گو می‌تواند از آن به عنوان محتوا استفاده کند.

افتخاری اظهار امیدواری کرد که مربیان با استفاده از دوره‌های آموزشی و مطالعه بی‌گیر و آشنایی با اصول قصه‌گویی بتوانند تجربه‌ها، عقاید و گفتارهای خود را در ذهن شنونده قصه بیافرینند.

مدیرکل کانون فارس قصه را یکی از مفیدترین راه‌های ارائه پیام‌های مفید به کودکان و نوجوانان دانست که با تشکیل انجمن‌ها و کارگاه‌ها می‌توان مخاطب قصه را افزایش داد، به قصه‌های بومی رنگ و بویی خاص بخشید و با بیانی دلپذیر برای مخاطبان با فرهنگ‌های مختلف بازگو کرد. همچنین سطح کتابخوانی کودکان و نوجوانان را بالا برد، حوزه مطالعه آثار را گسترش داد و به بالا بردن درک و فهم کمک کرد.

این کارگاه مجازی که با هدف یادگیری بیشتر و تمرین قصه‌گویی مربیان و اعضای انجمن قصه‌گویی کانون در شرایط بحرانی کرونا و توانمندسازی آنان، برنامه‌ریزی شده بود، روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، ساعت ۹ تا ۱۱ برگزار شد.

راهبری کارگاه مجازی قصه‌گویی را الهام دارابی، قصه‌گو، مسئول دبیرخانه بین‌المللی قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کشور و رئیس گروه پژوهش و ترویج قصه‌های ایرانی بر عهده داشت. این کارگاه مجازی با حضور رحیم هودی، هنرمند شیرازی و مربیان و کارشناسان کانون فارس و جمعی از علاقه‌مندان از نهاد کتابخانه‌های عمومی فارس همراه بود.

یارمهربان

«تن ترانه‌هایم لرزید» در شیراز منتشر شد

مهر: نگار تن‌بد، نویسنده نوجوان شیرازی، کلاس دهم، کتاب «تن ترانه‌هایم لرزید» را نوشت. این نویسنده نوجوان درباره کتاب یادشده، گفت: پدرم کوچ کرد. بی‌موقع! خیلی زود بود، جوان بود و من هم کودک! بزرگ‌تر شده‌ام! در نبودنش، دلشوره‌ها، دلتنگی‌ها، اندوه و غصه‌ها، بی‌رحمانه آوار می‌شوند روی کاغذهای سپیدم، واژه‌ها به دور هم گرد می‌آیند. شانه‌هایم با هق‌هق شبانه‌ام می‌رقصند... وی افزود: گاهی بی‌قراری‌ها، شاهرگم را می‌زنند و بغض راه گلویم را می‌بندد؛ در نبودنش نُت می‌نگارم. از او می‌نویسم، برای او می‌نویسم. می‌نوازم. گیتار می‌زنم. می‌خوانم و می‌گریم. این نوجوان هنرمند، ادامه داد: حالا قطره‌ای از این نوشته‌ها می‌شوند «تن ترانه‌هایم لرزید!» تا روح پدر عزیزم شاد شود. تا بداند دخترش با تمام سختی‌ها، دلتنگی‌ها، بی‌قرارهایش، محکم ایستاده است، صبر می‌کند که صبر بسیار زیباست.

ناشر این کتاب هم، گفت: کتاب یادشده به صورت نثر ادبی است؛ درد دل‌های دختری نوجوان با پدر مرحومش است. کرامت یزدانی، افزود: نگار تن‌بُد، دختری نوجوان، خوب، گیتار می‌نوازد، نیک می‌اندیشد و خوب می‌نویسد. متأسفانه حدود دو سال پیش، درست در اواخر دوران کودکی، پدرش را از دست داد. بغض بر گلویش نشست، بی‌قرار، غمگین و تنها شد. سخت بود، دختر بود و بابایی‌ٔ وی اضافه کرد: او بر خود مسلط شد، با تمام سختی‌ها، دردها و... نواخت و دست به قلم برد و نوشت؛ چنین کرد تا اندوه و غم، او را از پای در نیاورد، او را زمین‌گیر نکند و به کنجی نکشاند. او باید در آینده به اهدافش برسد. از دلتنگی‌ها، بی‌قراری‌ها، تنهایی و... نوشت و اینک دل‌نوشته‌هایش به «تن ترانه‌هایم لرزید!» تبدیل شد. کتاب «تن ترانه‌هایم لرزید» نوشته نگار تن‌بد در ۷۰ صفحه در قطع خشتی توسط انتشارات نویسندگان پارس در اردیبهشت ماه جاری منتشر شده‌است.

انتشار ۲ کتاب تئاتری

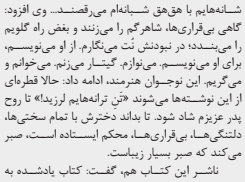

ایسنا:کتاب‌های «مونودرام» و «کتاب پژوهشی انجمن مدرسان تئاتر» منتشر شد. «کتاب پژوهشی انجمن مدرسان تئاتر» نوشته بهزاد خاکی‌نژاد و آرش پژمان در نشر طراحان تین منتشر شده است. این کتاب با مقاله‌هایی از مدرسان و دانشجویان تئاتری درباره صنف تئاتر و آموزش تئاتر همراه است که بخش‌هایی از آن به شکل‌گیری و اداره انجمن مدرسان تئاتر در خانه تئاتر می‌پردازد. همچنین کتاب «مونودرام»؛ تئاتر برای یک بازیگر» به قلم بهزاد خاکی‌نژاد که کتابی پژوهشی درباره تک‌گویی و نمایش تک‌نفره و انواع نمایش‌های تک‌بازیگر است و در سال ۱۳۹۲ در نشر لوح زرین منتشر شده بود، با ویراست جدید در نشر طراحان تین به چاپ رسیده است.

«آنجا میان دو جهان» منتشر شد

ایسنا:«آنجا میان دو جهان» نوشته سروناز علمیوبگ منتشر شد. در معرفی نشر اتفاق از این کتاب آمده است: علمیوبگ دنیای پرتخیل نقاشی‌های خود را به قلمرو ادبیات آورده است. او در کتاب «آنجا میان دو جهان»، خواننده را با خود به سرزمین میان دو جهان رؤیا و واقعیت می‌برد و با شخصیت‌های گوناگون که میان دو جهان سرگردانند آشنا می‌کند.سروناز علمیوبگ که نقاش و سازنده فیلم‌های مستند است، پایان فروردین در انتظار گشایش نمایشگاه نقاشی‌هایش در گالری اعتماد و رونمایی از دومین کتاب «دیدار هنرمند» بود، با این حال گالری اعتماد و نشر نظر از تعویق نمایشگاه و رونمایی کتاب برای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا خبر دادند و آن را به آینده موکول کردند. او فارغ‌التحصیل رشته نقاشی است و از سال ۱۳۷۹ فعالیتش را به عنوان هنرمند آغاز کرده است. آشنایی و گرایشش به مستندسازی هم به سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد. علمیوبگ خود را چنین معرفی می‌کند: «نقاشم و مستندساز. از طریق نقاشی‌هایم پیچیدگی‌های جهان درون را کشف می‌کنم و برای اشنایی با جهان بیرون، از فیلمسازی مستند کمک می‌گیرم. برخورد این دو جهان را معمولا دستمایه کارهایم قرار می‌دهم.»

فاطمه معتمدآریا «منشور طلاتی کوروش» را به «موزه سینما» اهدا کرد

فیلم کوتاه «موبایل» با موضوع موبایل به کارگردانی امیرعلی خدیور به مرحله تدوین رسید

فیلم های کوتاه «گلوله‌های تعمید» و «فنگ شویی وارونه» ساخته زیور حجتی به جشنواره ای در هند راه یافتند

نمایش مستند-انیمیشن «کاغذپاره‌ها» در جشنواره کراکو لهستان